

آينه

انتخاب

حرف‌های رئیس‌جمهوری بر کیفیت انتخابات تأثیر می‌گذارد

● حمیدرضا جلابی‌پور: صحبت‌های روحانی روشنگرانه است و برای بخش‌های دولتی الزام اجرایی نیز دارد. امسا برای بخش‌های جدا از دولت کارکرد روشنگرانه دارد. ما فقط می‌توانیم امیدوار باشیم تمام کسانی که در انتخابات مسئولیت دارند، این حق الناس و توصیه‌ها را رعایت کنند... چون تندروها در سال ۹۲ غافلگیر شدند و ناراحت هستند. دوره قبل برای اینها دوره‌ای طلایی بود و آنها هنوز در آرزوی آن هستند. در آن دوره رجزشان را می‌خواندند و منافع خود را هم داشتند. در ۲۴ خرداد این وضعیت یک دفعه به هم خورد. لذا ناراحت هستند و حرف‌هایی می‌زنند. ما هستیم که باید امیدوار باشیم که نهادهای اجرایی و حکومتی در امر انتخابات بهتر عمل کنند. چیزی که خیلی تعیین‌کننده است و ما می‌توانیم در آن حوزه مؤثر باشیم یکی همین دولت است که به‌هرحال مواضع آن بسیار مهم است و سخنان رئیس‌جمهوری به مثابه الزامی برای آن خواهد بود. یکی هم آگاهی مردم و بیداری و فعال‌بودن جامعه مدنی است... هرچقدر در این انتخابات مردم بیشتر از ۶۰ درصد مشارکت داشته باشند، ما دستاوردهای مهم‌تری خواهیم داشت و یک مجلس عاقل‌تر و کارشناس‌تر هم نتیجه آن خواهد بود.

محدودیت ویزا برای ایرانیان نقض برجام نیست

علی خرم: به‌طور کلی متن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) هیچ رابطه‌ای با مصوبه آمریکا ندارد. اگر آمریکایی‌ها به ایران آمده بودند یا ایرانی‌ها را مورد برخورد قرار داده بودند، ناقض برجام بود. اما مصوبه کنگره می‌گوید اگر کسانی به کشورهای سفر کنند که از دید خودشان با آنها دشمنی دارند، باید دوباره ویزا ارائه کنند. از نظر حقوقی می‌توان به این تعهد استناد کرد، اما به‌اعتقاد من هیچ‌گاه تناقضی پیش نخواهد آمد. برجام در مسیر خود پیش می‌رود. منشأ قانون مقابله با تروریسمی که آمریکا تصویب کرد نیز همان شعار «مرگ بر آمریکا» است که در ایران گفته می‌شود. زمانی‌که ما این شعار را می‌دهیم با آمریکا اعلام دشمنی می‌کنیم. دراین‌صورت نیز آمریکا نیز در بررسی‌های خود این‌طور ارزیابی می‌کند که اگر قرار باشد از طرف دولت‌ها تهدید علیه ایالات متحده شکل بگیرد، در پیش‌فرض آنها یکی از این دولت‌ها همانی است که رسماً شعار «مرگ بر آمریکا» می‌دهد. بنابراین این موضوع را باید از زاویه درست آن تحلیل کنیم؛ یعنی اگر در ایران چنین برخوردی با آمریکا نمی‌شد، این کشور نیز هیچ‌گاه ایران را جزء آن چهار کشور قرار نمی‌داد؛ وگرنه منصفانه این است که عربستان، مصر، قطر و کشورهای که به تروریست‌ها کمک می‌کنند یا اردوگاه‌های آموزش تروریست دارند، باید مرجع این قانون قرار گیرند، نه ایران.

آقاب

سریال‌های ترکیه‌ای به جای ظرف

علیرضا کریمی: انتقادات و توصیه‌ها به صدواسیما دیگر بوی کهنگی می‌دهد و نکته جدیدی ندارد. «تناقض» سسم مهلکی است که مردم را واقعا یوربگردان و عاصی می‌کند. شاید بتوان برخی برنامه‌های ضعیف ودم‌دستی تلویزیون را تحمل کرد و امید به تقویت آن داشت... اما به‌راستی «تناقض رفتاری» آقایان را با هیچ توجیهی نمی‌توان پذیرفت و پوشش داد. طبق آنچه شنیده و گفته شده موضوع سوءاستفاده انتخاباتی دولتی‌ها و حامیان دولت در پس این کنسلی بوده است. فرض بگیریم این شبانه درست باشد و مصاحبه عادل با ظرف یک سیاسی بوده تا فوت‌تالی - هر چند که فعلا این‌گونه نبوده است - اما طبعاً این سؤال مطرح می‌شود که چگونه حضور وزیر خارجه کشورمان در این ایام در تلویزیون گناه است اما حضور سخنگوی ائتلاف اصولگرایان (حدادعادل) مباح؟! ختم کلام آنکه باز هم آقایان در یک شب مهم یک پالس کل به ماهواره‌ای‌ها دادند تا آنان با خیالی آسوده همچنان بتازند و ما هم فقط به نفی آنان بپردازیم!

مجلس

یدالله جوانی: با کدام ملاک‌ها و معیارها، می‌توان افراد تراز انقلاب اسلامی را برای سپردن کرسی

وکالت به آن در مجلس شورای اسلامی، مورد شناسایی قرار داد؟ به نظر می‌رسد ملاک‌های زیر برای دست‌زدن به چنین انتخابی مناسب باشد:
۱- خداپواری، دینداری و ولایتمداری در اعتقاد و رفتار
۲- داشتن روحیه انقلابی، تفکر جهادی و راهبردی مبتنی بر نگاه آرمان‌گرایی و واقع‌گر...
۳- داشتن تخصص، تجربه و تعهد برای پیشبرد آرمان‌های انقلاب و حل مشکلات کشور
۴- داشتن بصیرت ناقد و قدرت تشخیص نقشه‌ها و فتنه‌های دشمنان
۵- داشتن روحیه استکبارستیزی و شجاعت برای استفاده‌ی در برابر زیاده‌خواهی‌های مستعبرین، و در راس آنها آمریکا
۶- از جنس مردم بودن، مردم‌باوربودن، مردم‌باوربودن و داشتن روحیه خدمتگزاری
۷- داشتن خط و مرزی روشن نسبت به انقلاب، امام، رهبری، دوستان و دشمنان انقلاب اسلامی
۸- وامدارن‌نبودن به گروه‌ها و باندهای قدرت و ثروت.

آیا فرزندشهیدبودن مسئولیتی دارد یا خیر؟

بابایی: فرزندشهیدبودن قطعاً یک مسئولیتی دارد، اما خیلی نمی‌شود این مسئولیت را در مقایسه با دیگران مستثنا کرد. من خودم شخصا مخالف این قضیه هستم. همیشه با دیدگاه‌هایی که دراین‌باره در جامعه وجود داشته هم برخوردهای متفاوتی داشته‌ام؛ مثلاً می‌گفتند فرزند شهید هستی و سهمیه داری و قس علی‌هذا. اما اینکه مسئولیتی بر گردن ما باشد، فکر می‌کنم به واسطه کاری که پدران ما انجام دادند، ما به عنوان بچه‌های آنها باید پذیریم که به شکل‌های مختلف مسئولیت‌هایی داریم. **کریمی:** خیلی دوست داشتم از این بحث‌های کلیشه‌ای خارج شوم!

آ سعی می‌کنیم که خارج شویم!

کریمی: شما که فرزند پدر و مادر خود هستی، وظیفه‌ای نداری؟!

آ جنس این وظیفه ممکن است، فرق کند.

کریمی: نه، هیچ فرقی نمی‌کند. هر آدمی نسبت به اینکه فرزند پدر و مادرش است و در خانواده‌ای بزرگ شده، مسئولیتی دارد که با به این مسئولیت پایبند است یا قصد دارد خلاف این مسئولیت عمل کند؛ مثلاً اگر فردی در خانواده‌ای مذهبی متولد شده باشد، همه انتظار دارند او نیز مذهبی باشد و مسائلی را رعایت کند؛ فردی این را قبول می‌کند و فردی دیگر خیر. فرزندشهیدبودن نیز همین‌گونه است؛ حتی به نظر من فرزندشهیدبودن مسئولیتی را از ما سلب می‌کند به این دلیل که پدري بالای سر ما نبوده است (با خنده).

آ یعنی بین شما و فرزند عادی فرقی وجود ندارد.

کریمی: بین فرزندشهیدبودن و فرزند یک فرد عادی بودن تفاوتی نیست. هرکدام نسبت به خانواده و جامعه خود مسئولیتی دارد که با به آن پایبند است یا نیست.

آ نسبت به جامعه چطور؟

کریمی: این هم همین‌طور است. مگر شما به عنوان خبرنگار نسبت به جامعه مسئولیت نداری؟! نکته مهم این است که هیچ‌کس نسبت به من به عنوان فرزند شهید، مدیون نیست و وظیفه‌ای ندارد. چون اینکه من فرزند شهید باشم، انتخاب من نبوده، آن کسی که انتخاب کرده پدر یا مادر من بوده است. آنها انتخاب کردند که در چه شرایطی چه تصمیمی بگیرند. اگر دین و وظیفه‌ای هست برعهده پدران ماست، بنابراین، این نگاه مردم به ما، نگاه درستی است که در شرایطی، عده‌ای احساس مسئولیت کردند و به وظیفه‌شان عمل کردند، حالا این پسر یا دختر همان فردی است که در بزرنگاهی به وظیفه خود عمل کرده است. بنابراین نگاه پرنرنگ‌تری نسبت به من نوعی وجود دارد که من به عنوان فرزند شهید شاید بتوانم در مواقعی عین پدر خود عمل کنم.

یاسینی: با حرف‌های دوستان مواقم، فقط این را اضافه کنم که خود فرزندان شهید احساس خاصی دارند که بقیه مردم جامعه این حس را ندارند و متأسفانه این احساس ما را درک نمی‌کنند. برای نمونه روحیه ما که از دوران کودکی پدر نداشته‌ایم، با بقیه فرق می‌کند. ما از آن زمان سختی کشیده‌ایم، مشکلات و تبعیض‌ها را دیدام. حالا انتظار داریم مسئولان از ما حمایت کنند. هیچ چیزی از مردم و مسئولان نمی‌خواهیم، انتظاری هم نداریم؛ آنچه از مردم می‌خواهیم احترام است. نمی‌خواهیم این‌گونه باشد که حرف از سهمیه ما برای کار باشد. مثلاً جایی که من کار می‌کنم، به‌جای اینکه با من به عنوان فرزند شهید خوب باشند، می‌خواهند از بن، ریشه من را قطع کنند. درصورتی‌که ما با زحمت خودمان به جایی رسیدهایم. اگر مردم جامعه احساس ما را درک می‌کردند یا لحظه‌ای خود را جای کودکی ما می‌گذاشتند این برداشت را نمی‌کردند. چند شب پیش در سریال کیمیا دیدیم که خانم شریفی‌نای گوشي تلفن را برداشت؛ پدرش پشت خط بود. از چشم‌اشک آمد و به خانم گفتم ای کاش می‌شد تلفن خانه ما زنگ می‌زد و من یک لحظه با پدرم حرف می‌زدم. با وضعیتي که جامعه پیش می‌رود، مسئولیت ما چند برابر سنگین می‌شود. اگر ما فرزندان شهید، دست در دست هم نگذاریم، اسم شهدا محو می‌شود.

آ آقای یاسینی، شما برخلاف آقای کریمی معتقدید فرزندشهیدبودن یک مسئولیتی دارد. ولی جنس این مسئولیت فرق می‌کند. شما می‌گویید باید پشت به پشت هم بایستید تا آرمان پدرانتان را حفظ کنید.

یاسینی: بله، تا بتوانیم راه آنها را ادامه دهیم. پدران ما راهی را شروع کردند که انتهایی ندارد و ما باید آن را ادامه دهیم.

کریمی: ما را تا مقابل هم نگذارید. (با خنده) من نگفتم که ما مسئولیتی نداریم...

آ گفتید مسئولیت ویژه‌ای ندارید و عام است.

بابایی: من فکر می‌کنم، منظور آقای کریمی این بود که چون ما انتخاب نکرده‌ایم و پدران ما انتخاب کرده‌اند، مواقعی در جامعه به واسطه آن انتخاب، بازخواست می‌شویم. مثلاً اگر من با تیپ دیگری بیرون بروم، بازخواست می‌کنند که پدر تو آن‌گونه بوده و تو چرا این‌طوری بیرون می‌روی. برادر من سال‌های اول شهادت پدرم، یک کاپشن رنگی پوشیده بود، همه آمدند به مادرم گفتند پسر شهید بابایی کاپشن رنگی می‌پوشد؟! مگر فرزند شهید، آدم نیست، دارد دوران جوانی خود را می‌گذراند. اگر پدران ما رفته‌اند و کاری انجام داده‌اند، در مقابل آن کار، همه مردم مسئولیت

سیاست

بررسی چالش و مسئولیت‌های فرزندان شهدا در میزگرد بابایی، کریمی و یاسینی

زیر سایه پدر



مرجان توییدی

اینان مرگ را سرودی کرده‌اند

اینان مرگ را چندان شوکمند و بلند آواز داده‌اند که بهار مانند آواری برگ دروخ خریده است...

اینان این روزها، برای ما فقط یک نام هستند، برای ما در این روزهای سرکجیهٔ آور، در این روزهای سربی رنگ بدون اکسیژن، پشت چراغ‌های طولانی قرمز، پشت دنده کلاچ‌هایی که دور تسلسل می‌زنند، از یک به دو، دوباره از دو به یک، فقط یادآور گزارش‌های رادیوست، یادآور گزارش‌های ترافیک‌های سنگین اما روان است! اما نه برای آنها قبل از هرچیز، همت و باکری، کریمی، بابایی و یاسینی و... پدري است که تا قبل از این‌که بر خرابه‌های مانده از هشت سال جنگ، بزرگراهی ساخته شود، بیمارستانی بالا برود، سازندگی شکل بگیرد و نامشان بشود ورودی و خروجی بزرگراه‌های این شهر دودگرفته، چشمش را بسته است، آن هنگام که کودکان چشم باز کرده است. برای آنها پدرشان نقش بسته بر کاغذهای عکس دهه شصت است. دهه دوربین‌های آنالوگ، فیلم‌های ۱۶۴ تایی، عکس‌های سوخته... پدري که عظمت نبودنش را می‌توان در لایه‌لای کلمات فرزندان آنها حس کرد. با سه نفر از آنها در یک جمعه پاییزی در دفتر روزنامه به گفت‌وگو نشستیم. سلما بابایی، دختر شهید خلبان عباس بابایی است. او در سال ۶۶ به درجه سرتیپی رسید و مرداد همان سال در عملیات برون‌مرزی سردهشت به شهادت رسید. سلما این روزها در کار ساخت فیلم‌های داستانی است که اساس آن برمنبای واقعیت است. داوود کریمی، فرزند شهید عباس کریمی قهرودی از فرماندهان سپاه است که در پی شهادت محمدابراهیم همت، فرماندهی لشکر ۲۷ محمد رسول الله را برعهده گرفت، تقریباً یک سال پس از به‌عهده‌گرفتن این مسئولیت در عملیات بدر به شهادت می‌رسد. داوود کریمی تحصیل کرده مهندسی صنایع از دانشگاه امیرکبیر است. بهروز یاسینی، فرزند شهید علیرضا یاسینی از فرماندهان نیروی هوایی ارتش است که علاوه بر حضور مؤثر در جنگ و به‌ویژه در عملیات ۱۴۰ فروندی، نقش مهمی اجرا کرد. شهید یاسینی بعد از جنگ در سال ۷۲ به سمت رئیس ستاد و معاون هماهنگ‌کننده نیروی هوایی ارتش رسید و در دی ۷۳ در یک سانحه هوایی به همراه چند نفر از فرماندهان عالی‌رتبه نیروی هوایی ارتش به شهادت رسید. بهروز یاسینی هم‌اکنون مشغول تدریس در دانشگاه به دانشجویان پزشکی و تحصیلات تکمیلی در مقطع ارشد است. ماحصل این گفت‌وگوی یک ساعته را در پی می‌خوانید:

بابایی: سبک زندگی من در راستای سبک زندگی‌ای است که پدرم داشته است. نمی‌دانم تا کجا موفق هستم. گاهی کتاب پدرم را می‌خوانم، خودسازی او و کارهایی که کرده، برایم بسیار لذت‌بخش است. اینکه از همه‌چیز بگذری و روی نفس خود یا بگذاری، می‌تواند درس بزرگی برای من و همه مردم جامعه باشد. باید بتوانیم افرادی مثل پدران ما را الگو قرار دهیم.

کریمی: این سؤال‌ها خیلی آرمانی است، چه رسد به اینکه من دربرابر مردم یا حکومت مسئولیتی دارم یا نه. فردی مثل پدر من در دوران خودش، برای مردم جامعه به خاطر سبک زندگی‌اش و برای دولت چه کرد که حالا من بخواهم آن کار را انجام دهم؟ همان‌طور که خانم بابایی گفتند درباره سبک زندگی و خودسازی،

توجه کنیم که آن افراد سن و سال کمی داشتند، ۲۳-۲۶ سال. فرمانده بودند و افراد زیادی زیر دست آنها بودند و از همه مهم‌تر خانواده‌ای داشتند که به شرایط زندگی آنها راضی بودند؛ مثلاً مادر من بطور راضی می‌شده که شش‌ماه یک‌بار شوهرش را ببیند؟ پدر من به هدفی که برای خودش تعریف کرده بوده، اعتقاد واقعی داشته است. اگر به هر دلیلی، به‌خاطر دین، جامعه، مردم یا حرف امام به جبهه‌ها رفتند، چنان به اینها اعتقاد و ایمان داشتند که کسی نمی‌توانسته به ایمان او خللی وارد کند. با وجود ۲۳-۲۲ سال، کاری کرده که هم مادر من به شرایط اعتراضی نداشته باشد و هم هزار نفری که زیر دستش بودند حرفش را گوش کنند. به خاطر اینکه به حرفی که می‌زد و کاری که می‌کرده واقعا اعتقاد داشته است. اگر به زندگی شهیدان نگاه کنیم، اکثرشان درباره کارشان احساس آزادی هم داشتند؛ مثلاً اگر فرمانده‌ای به بیرون می‌کردند، دوباره به شکل دیگری به جبهه برمی‌گشته است؛ مثلاً وقتی حاج داوود کریمی را از فرماندهی منطقه ۱۰ کنار گذاشتند، به عنوان یک نیروی معمولی مدتی به جبهه آمد. این به خاطر ایمان و آزادی که در کاری که می‌کرده‌اند، بوده است. اگر من هم به کاری که می‌کنم، ایمان داشته باشم، می‌توانم بر سبک زندگی مردم و جامعه و اطرافیانم تأثیر بگذارم.

آ حرف من این است که اگر شما احساس کردید جایی باید پیام پدر خود را برسانید، این پیام به سبک زندگی می‌آید یا دولت؟

کریمی: هر دو. هم دولت، هم سبک زندگی.

آ مثلاً درباره سبک زندگی، اگر جایی احساس نیاز کنید، ممکن است به خود اجازه دهید، از این جایگاه تلنگری به کسی بزنید؟

کریمی: خیر، اگر من به آنچه دارم ایمان و اعتقاد داشته باشم، دیگران با دیدن من به برخورد با من متوجه می‌شوند چه اتفاقی باید بیفتد. خیلی باید

ملموس باشد؛ مثلاً وقتی پدر من هر شش ماه یک‌بار به خانه می‌آمده، مادر من یک اعتراض کوچک هم نداشته است. چرا؟ چون آن آدم به هدف خود چنان ایمان و اعتقادی داشته است که طرف مقابل نمی‌توانست به آن اعتراض کند. هرجا می‌رفته همان سبک زندگی را با خود می‌برده است. نیاز به گفتن، تذکر یا تلنگر نبوده است.

بابایی: شما منظورتان این است که اگر ما چیزی را می‌بینیم که خوشایند نیست، بتوانیم آن را مطرح کنیم. خب این البته نه درباره سبک زندگی. برای من پیش آمده که خیلی افراد در جامعه هستند که هر سال به مکه می‌روند. به یکی از این افراد گفتم کسی که این‌قدر پول دارد

که برای سفر هر ساله مکه هزینه کند، باید فکر کند و این هزینه را صرف کار خیر کند؛ یعنی به این صورت در سبک زندگی کسی تغییری را ایجاد کردم. البته نه به عنوان فرزند شهید، بلکه به عنوان یک آدم در رابطه انسانی و منصفانه بیان کرده‌ام. اما واردشدن به سبک زندگی دیگران کار درستی نیست و هیچ‌کسی نباید وارد سبک زندگی دیگران شود. مواردی شبیه مثالی که زدم وجود دارد که می‌توان بسیار آرام و منصفانه حرف زد، اما باز هم به ارتباط بین افراد بستگی دارد. شاید بشود این تذکرها را از طریق رسانه انجام داد که پولدارها پول خود را در چه کاری هزینه کنند.

یاسینی: اکثریت فرزندان شهدا در حاشیه هستند و اجازه داده نمی‌شود وارد صحنه شوند؛ به جز یک عده خاص. اگر از فرزندان شهدا استفاده می‌شد، آنها خیلی بهتر می‌توانستند حافظ خون شهدا باشند. مثلاً اگر من در این کشور مسئول بودم، برای ریاست بنیاد شهید و پرسنل آن، از فرزندان شهدا و جانبازان استفاده می‌کردم. اگر فرزندان شهدا آنجا را اداره می‌کردند،

مدیریت بهتری می‌شد و نگرش مردم جامعه به فرزندان شهدا عوض می‌شد و رو به بهبود می‌رفت.

آ آقای یاسینی! شما معتقدید نگاه مردم به خانواده شهدا نگاه مناسبی است؟

یاسینی: آن‌طور که من حس می‌کنم، چندان مناسب نیست.

آ چرا؟ احتمالاً چه بازخوردی دیدید؟

یاسینی: این نگاه از این جنس است که «از فضل پدر تو را چه حاصل». شهدا با خدای خود معامله کردند و عهد و پیمان جاودانه بستند. ما هیچ انتظاری نداریم. از پدران ما ارثی به ما رسیده که باید را در آنها را ادامه دهیم. دوست ستاد پسرم را هم‌نام پدرم (علیرضا) نام‌گذاری کنم. خودم نتوانستم خلبان شوم ولی آرزو دارم پسرم خلبان شود. خودم شهید نشدم ولی دوست دارم پسرم شهید شود و من پدر شهید شوم. تا این حد برای شهدات احترام قائل هستم. حتی می‌دانم اگر در شهدات یسته است، زنده‌نگاه‌داشتن یاد شهدا کمتر از شهدات نیست. ولی متأسفانه، وقتی با مردم سروکار دارم یا با قشر تحصیل‌کرده جامعه که هر روز سروکار دارم، گاهی با خودم می‌گویم حیف که پدر من به‌خاطر بعضی از این مردم زیر خاک رفت، همسرش به این وضعیت افتاد و بچه‌هایش بی‌پدر، بزرگ شدند. اما زمانی که آرام می‌شوم، می‌گویم پدر یا عموی من به خاطر خدای خود رفتند. به عنوان مثال، مردم و خانواده شهدا از شعار و شنیدن دروغ خسته شده‌اند. ۱۹ بهمن سال پیش، وزیر بهداشت به منزل ما آمد، یک‌سری قول‌هایی به ما داد. رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران هم بود. ایشان آمد و من درخواست آن‌چنانی داشتم. مشکل کوچکی را مطرح کردم، آنها صولات فرستادند و عکس‌های تبلیغاتی گرفتند و در رسانه‌ها چاپ شد و دیگر اتفاقی نیفتاد. مردم از این رفتارها بدشان می‌آید. مادر بزرگ من مادر دو شهید بود و یکی از سرهایش هم یا ندارد. مادر بزرگم مرداد سال پیش از دنیا رفت، خواسته ما این بود که چون اینها ساکن شهرستان‌اند، بیمارستانی به اسم برادران شهید یاسینی بزنند. وزیر بهداشت موافقت کرد و دستور آن را داد ولی این موضوع فراموش شد. برخی مسئولان ما شعار می‌دهند.

۱۰ساله بوم که پدرم شهید شد. کلاس پنجم بودم. مادرم آن زمان رانندگی بلد نبود. دوچرخه‌ای داشتم که پشتش ترک بسته بودم. یک روز که می‌خواست برای من مساهمان بیاید، مادرم من را فرستاد میوه بخرم. رفتم یک میوه‌فروشی، بادماچان خریدم. رفتم یک میوه‌فروشی دیگر که کدو بخرم. میوه‌فروش، بادماچان‌ها را به دسته دوچرخه من دید و گفت از مغازه من برو بیرون و از همان جایی کدو بخر که بادماچان خریده‌ای. از آن زمان یاد گرفتم در مملکت باید از هرجایی که بادماچان می‌خرم، کدو بخرم. فهمیدم اگر فلان شخص می‌آید به سر ما دست می‌کشد و می‌گوید من برادر شهیدم و وزیرم، وقتی از در خانه‌ام بیرون رفت، دیگر من را نمی‌شناسد. زمانی که ادامه تحصیل دادم، فهمیدم تنها راهی که دارم، همین ادامه‌تحصیل است تا به وسیله آن خودم را بالا بکشم و به جایی برسم. بعد در دوروبر خودم از فرزندان شهید استفاده کنم. از آنهايي که جانماز آب نمی‌کشند، بلکه از آنها که حس دوران کودکی و سختی آن دوران را درک کرده‌اند. به آنها مسئولیت بدهم و به کمک هم، راه شهیدان را ادامه و تداوم دهیم و کم‌کم نگرش مردم را که نسبت به ما و خانواده ما خراب شده، عوض کنیم.

ادامه در صفحه ۷

آينه ديروز

۹ سال پیش در چنین روزی

اینها

- مسکن در آغوش بحران تاریخی: قیمت‌ها همچنان بالا می‌رود و سیاست‌های کنترل بی‌اثر مانده است
- با تصویب قطع‌نامه در شورای امنیت، ایران تحریم هسته‌ای شد
- دبیرکل حزب اعتماد ملی: برای مجلس هشتم آماده ش‌شویم. چهره‌های سیاسی نباید درباره انتخابات ۲۴ آذر، با تحلیل‌های سطحی مبالغه کنند
- مسجدجامعی: قالیباف، شهردار تهران می‌ماند
- آیت‌الله شاهرودی، رئیس قوه قضائیه: دشمنان اسلام به دنبال ایجاد جریانات خرافی هستند
- وزیر خارجه ایران در گفت‌وگو با شبکه خبری آمریکایی ای‌بی‌سی: درخصوص مسئله هسته‌ای مذاکره می‌کنیم، درباره عراق نه. رئیس مجلس: با صدور قطع‌نامه در همکاران با آژانس تجدیدنظر می‌کنیم
- نوبخت: خوشحالم مردم به مشی اعتدال رای دادند

انتخاب

- واکنش ایران به قطع‌نامه شورای امنیت
- ظریف: قطع‌نامه ی‌یادآور بی‌عدالتی‌های تاریخی شورای امنیت در حق مردم ایران است. این کار یادآور تلاشی است که شورا برای مجازات مردم ایران به خاطر ملی‌کردن صنعت نفت صورت داد
- در پی اظهارات جدید وزیر علوم؛ دانشجویان ستارهدار شکایت می‌کنند
- ذخایر دلاری بانک مرکزی افزایش می‌یابد
- اعلام موجودیت فراکسیون‌های اصلاح‌طلب در شوراهای شهر
- رئیس سازمان زندان‌ها: تاکنون بازداشت‌های امنیتی، سلیقه‌ای اداره می‌شد
- دبیرکل اتحادیه عرب: لبنان در وضع خطرناکی به سر می‌برد

کیمیا

- وزیر بازرگانی تایلند: ۲۰۰ هزار تن برنج را ۶۰۰ هزار دلار گران‌تر به ایران فروختم
- کمک ۵۰۰میلیون دلاری واشگتن به سینیوره برای مقابله با حزب‌الله
- وزیر خارجه ایران: آمریکا در موقعیتی نیست که با ایران درگیر شود. ایران اکنون بر سر میز مذاکره قرار دارد اما قطعاً اگر علیه ایران رای دادند، به معنای آن است که از هیچ مذاکره‌ای استقبال نمی‌کنند
- لاریجانی در گفت‌وگو با کیهان: راه‌اندازی ۳۰۰۰ ساتلرفیوز، پاسخ ایران به قطع‌نامه است. تصویب این قطع‌نامه فقط به کاهش اعتبار شورای امنیت خواهد انجامید و هیچ تأثیری در اراده ایران برای پیگیری برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ندارد، بلکه ما را مصم‌م‌تر می‌کند

ایران

- وزیر خارجه خبر داد: مذاکره ایران و عربستان برای حل بحران لبنان
- متکی: ایران و عربستان می‌توانند پرچم‌دار وحدت در جهان اسلام باشند و توطئه‌های حسد را که درصدد ایجاد تفرقه میان مسلمانان هستند، خنثی کنند
- با تصویب پیشنهاد ۵+۱؛ غرب پس از شش ماه به قطع‌نامه‌ای تبلیغاتی رضایت داد
- چک ۵۰۰میلیون دلاری بوش برای سینیوره
- سعید جلیلی: ایران بدون اعمال فشار و پیش‌شرط غرب آماده مذاکره است
- لایحه صندوق بیمه اجتماعی به مجلس رفت
- رئیس قوه قضائیه: برخورد قاطع با منافی عفت عمومی، نیازمند اصلاح قوانین است
- جمهوری اسلامی**
- مدیرکل ثبت اسناد و املاک استان تهران خبر داد: کشف ۴۰۰ میلیارد تومان اسناد معجول در سال جاری
- کاندولیزا رایس: عراق باید پایگاه سیاسی آمریکا در خاورمیانه باشد
- پیام تبریک رئیس‌جمهور به مسیحیان جهان به مناسبت میلاد حضرت مسیح (ع)
- متخصصان ایرانی به تکنولوژی ساخت سکوهاي نفتی نیمه‌شناور دست یافتند
- زمان کلاس‌های درسی در مقطع ابتدایی و راهنمایی کاهش می‌یابد
- لایحه متمم بودجه سال ۸۵ برای سومین‌بار بازنگری شد
- وزیر رفاه: ۵۰ هزار نفر از خادمان مساجد بیمه می‌شوند
- لایحه افزایش مرخصی زایمان و دوره شیردهی مادران شاغل تقدیم مجلس شد